

درس‌های

# کی‌پرگور

برای زندگی

رابرت فرگوسن

صالح نجفی

۱۱	.....	مقدمه
۱۹	.....	۱. چگونه از خواب بیدار شویم؟
۳۱	.....	۲. چگونه به دروغ بودن چیزها پی ببریم؟
۴۱	.....	۳. چگونه از زندگی کردن در گذشته بپرهیزیم؟
۵۳	.....	۴. چرا باید بذر ناخشنودی بکاریم؟
۶۱	.....	۵. در باب زیاده از حد فکر نکردن
۷۱	.....	۶. هنگام که هیچ نباید گفت
۸۱	.....	۷. چگونه با نومییدی کنار آییم؟
۹۱	.....	۸. چگونه به مرگ فکر کنیم؟
۹۹	.....	نتیجه: انتخاب انتخاب کردن
۱۰۵	.....	مشق شب
۱۱۳	.....	فهرست نامها

## مقدمه

من قبل از آن که به افکار کی‌یرکگور علاقه‌مند شوم، بیست سالی می‌شد که چیزهایی درباره‌ی او می‌دانستم. راستش را بخواهید ماجرا از زمانی آغاز شد که من در گِیرودار تحقیقاتم برای نوشتن زندگی‌نامه‌ی هنریک ایبسن، نمایش‌نامه‌نویس نروژی، به نکته‌ای برخورددم. در جریان مطالعاتم به این نکته برخورددم که به نظر عده‌ای ایبسن در براند، نمایش‌نامه‌ای عالی درباره‌ی یک کشیش، که نخستین موفقیت او در عرصه‌ی تئاتر بود، کوشیده است به زبان نمایش این موضوع را بررسی کند که چگونه ایده‌ی یک فیلسوف درباره‌ی «زندگی در خدمت ایده» می‌تواند در عمل پیاده شود. ایبسن ادعا می‌کرد چیز چندانی از نوشته‌های کی‌یرکگور نخوانده است و از نوشته‌های او نیز «کمتر» چیزی

---

۱. ایبسن این نمایش‌نامه را در ۱۸۶۵ نوشت. براند نام کشیشی است که می‌خواهد نتایج و عواقب انتخاب‌هایش را به طور کامل بپذیرد. او در وهله‌ی اول به اراده‌ی آدمی اعتقاد می‌ورزد و بر پایه‌ی اصل «همه یا هیچ» زندگی می‌کند، به همین جهت، سازش کردن یا مصالحه برایش بسیار دشوار است. این اثر را محمود مهدیان به فارسی ترجمه و انتشارات بابک آن را در ۱۳۵۲ منتشر کرده است. (همه‌ی پی‌نوشت‌ها از مترجم است).